



زبان‌شناسی و قرآن (از نظریه تا کاربرد)

دکتر بهمن گرجیان

«عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی»

دکتر الخاص ویسی

«عضو هیئت علمی دانشگاه پیام‌نور»

امروز کتابخوانی و علم‌آموزی نه تنها یک وظیفه‌ی ملی، که یک واجب دینی است.^۱

مقام معظم رهبری

در عصر حاضر یکی از شاخصه‌های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری میزان تولید کتاب، مطالعه و کتاب‌خوانی مردم آن مرز و بوم است. ایران اسلامی نیز از دیرباز تاکنون با داشتن تمدنی چندهزارساله و مراکز متعدد علمی، فرهنگی، کتابخانه‌های معتبر، علما و دانشمندان بزرگ با آثار ارزشمند تاریخی، سرآمد دولت‌ها و ملت‌های دیگر بوده و در عرصه فرهنگ و تمدن جهانی به‌سان خورشیدی تابناک همچنان می‌درخشد و با فرزندان نیک‌نهاد خویش هنرنمایی می‌کند. چه کسی است که در دنیا با دانشمندان فرزانه و نام‌آور ایرانی همچون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، خوارزمی و ... همچنین شاعران برجسته‌ای نظیر فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ و ... آشنا نباشد و در مقابل عظمت آنها سر تعظیم فرود نیاورد. تمامی این افتخارات ارزشمند، برگرفته از میزان عشق و علاقه فراوان ملت ما به فراگیری علم و دانش از طریق خواندن و مطالعه منابع و کتاب‌های گوناگون است. به شکرانه الهی، تاریخ و گذشته ما، همیشه درخشان و پر بار است. ولی اکنون در این زمینه در چه جایگاهی قرار داریم؟ آمار و ارقام ارائه‌شده از سوی مجامع و سازمان‌های فرهنگی در مورد سرانه مطالعه هر ایرانی، برایمان چندان امیدوارکننده نمی‌باشد.

کتاب، دروازه‌ای به سوی گستره دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان، تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان دست‌نوشته‌هایی است که انسان‌ها پدید آورده و می‌آورند. در این مجموعه بی‌نظیر، تعالیم الهی، درس‌های پیامبران به بشر، و همچنین علوم مختلفی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آنها امکان‌پذیر نیست. کسی که با دنیای زیبا و زندگی‌بخش کتاب ارتباط ندارد بی‌شک از مهم‌ترین دستاورد انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. با این دیدگاه، به‌روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق در این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) این است که «بخوان!» و در اولین سوره‌ای که بر آن فرستاده عظیم‌الشان خداوند، فرود آمده، نام «قلم» به تجلیل یاد

1. <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=2696>

شده است: «إِقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده اند.

دانشگاه پیام نور با گستره جغرافیایی ایران شمول خود با هدف آموزش برای همه، همه جا و همه وقت، به عنوان دانشگاهی کتاب محور در نظام آموزش عالی کشورمان، افتخار دارد جایگاه اندیشه سازی و خردورزی بخش عظیمی از جوانان جویای علم این مرز و بوم باشد. تلاش فراوانی در ایام طولانی فعالیت این دانشگاه انجام پذیرفته تا با بهره گیری از تجربه های گرانقدر استادان و صاحب نظران برجسته کشورمان، کتاب ها و منابع آموزشی درسی شاخص و خودآموز تولید شود. در آینده هم، این مهم با هدف ارتقای سطح علمی، روزآمدی و توجه بیشتر به نیازهای مخاطبان دانشگاه پیام نور با جدیت ادامه خواهد داشت. به طور قطع استفاده از نظرات استادان، صاحب نظران و دانشجویان محترم، ما را در انجام این وظیفه مهم و خطیر یاری رسان خواهد بود. پیشاپیش از تمامی عزیزانی که با نقد، تصحیح و پیشنهادهای خود ما را در انجام این وظیفه خطیر یاری می رسانند، سپاسگزاری می نمایم. لازم است از تمامی اندیشمندانی که تاکنون دانشگاه پیام نور را منزلگاه اندیشه سازی خود دانسته و ما را در تولید کتاب و محتوای آموزشی درسی یاری نموده اند، صمیمانه قدردانی گردد. موفقیت و بهروزی تمامی دانشجویان و دانش پژوهان عزیز آرزوی همیشگی ما است.

دانشگاه پیام نور

فهرست مطالب

پیشگفتار	یازده
فصل اول: مطالعات میان‌رشته‌ای و قرآن‌پژوهی	۱
مقدمه	۱
فرهنگ در ادبیات قرآن	۷
زبان‌شناسی و فرهنگ	۹
زبان قرآن	۱۱
ضرورت بحث از مبادی زبان‌شناسی قرآن	۱۵
نظریه‌های غالب زبان‌شناسی در مطالعات قرآنی	۱۶
مطالعات میان‌رشته‌ای و معناکاوی قرآن	۱۸
تحول در رویکردهای زبان‌شناختی و مطالعات قرآنی	۱۹
فصل دوم: زبان‌شناسی شناختی (نظریه آمیختگی مفهومی) و فرایند معناسازی آیات قرآن	۲۱
مقدمه	۲۱
روند شکل‌گیری زبان‌شناسی شناختی	۲۱
استعاره	۲۳
مجاز مفهومی	۲۵
فضاهای ذهنی	۲۶
معناشناسی شناختی	۲۸
نظام مفهومی یا معنایی	۳۱
استعاره ادراکی (مفهومی)	۳۲
معناسازی با فضاهای ذهنی	۳۵
نظریه آمیختگی مفهومی	۳۷
نحوه عملکرد اصول حاکم بر آمیختگی	۴۲
فضای آمیخته	۴۴

۴۷	ساختار دستوری آمیختگی
۴۸	انواع شبکه‌های آمیختگی
۵۰	آمیختگی چندگانه
۵۲	اهداف نظریه آمیختگی
۵۳	روابط حیاتی و فشرده‌سازی در آمیزه‌های مفهومی
۵۴	زمان
۵۴	مکان
۵۴	بازنمایی
۵۵	نقش، ارزش
۵۵	شباهت و عدم شباهت
۵۶	علت و معلول
۵۶	نقش بافت زبانی در نظریه آمیختگی مفهومی
۵۸	مقایسه نظریات آمیختگی مفهومی و استعاره ادراکی
۶۱	نظریه آمیختگی و قرآن کریم
۶۳	رابطه تفسیر، تأویل و تحلیل شناختی در مطالعات قرآنی
۶۳	تفسیر
۶۵	رابطه تفسیر و تدبیر
۶۶	رابطه تفسیر و هرمنوتیک
۶۸	تأویل
۷۰	تحلیل شناختی
۷۱	نگاهی کوتاه به نظریه آمیختگی مفهومی
۷۳	وجوه کاربردی نظریه آمیختگی مفهومی در تحلیل آیات قرآنی (از نظریه به عمل)

۱۲۳	فصل سوم: نظریه کارگفت‌ها و معناکاوی قرآن
۱۲۳	مقدمه
۱۲۵	نظریه کارگفت‌ها
۱۲۵	ابعاد معنایی پاره‌گفت‌ها
۱۲۶	کارگفت‌های مستقیم و غیرمستقیم
۱۲۷	تقسیم‌بندی کارگفت‌ها
۱۲۸	شرایط چهارگانه برای تشخیص و تقسیم کارگفت‌ها
۱۲۸	کارگفت‌های بجا و نابجا
۱۲۹	بیان قطعیت و صحت شرایط چهارگانه کارگفت‌ها در قرآن کریم
۱۳۰	وجوه ارتباطی نظریه کارگفت‌ها و معناکاوی در قرآن (نظریه تا عمل)
۱۳۱	تحلیل سوره‌ها و آیه‌های مربوط به غزوات با تکیه بر نظریه کارگفت‌ها

۱۵۵	فصل چهارم: نظریه طرحواره‌های تصویری و معناکاوی آیات قرآنی
۱۵۵	مقدمه
۱۵۵	سیر تکامل زبان‌شناسی: از زبان‌شناسی سنتی تا زبان‌شناسی شناختی
۱۵۷	علوم‌شناختی
۱۶۳	استعاره در معنی‌شناسی شناختی
۱۶۴	رویکرد طرحواره‌های تصویری
۱۶۵	طرحواره
۱۶۶	ویژگی‌های طرحواره‌های تصویری
۱۶۷	انواع طرحواره‌های تصویری
۱۶۹	طرحواره‌های حرکتی
۱۷۰	طرحواره‌های حجمی
۱۷۰	طرحوارهٔ حجمی
۱۷۲	طرحواره‌های قدرتی
۱۷۵	وجه عملی نظریه طرحواره‌ها در معناکاوی آیات قرآنی (از نظریه تا کاربرد)
۱۷۶	طرحوارهٔ حرکتی
۱۷۹	طرحواره‌های حجمی
۱۸۱	طرحواره‌های قدرتی
۱۸۲	طرحواره‌های قدرتی نوع اول
۱۸۳	طرحواره‌های قدرتی نوع دوم
۱۸۳	طرحواره‌های قدرتی نوع سوم
۱۹۳	فصل پنجم: تحلیل گفتمان (نقش گفتمان‌ها در انسجام متنی قرآن)
۱۹۳	مقدمه
۲۰۲	رویکردهای قالب در تحلیل کلام و گفتمان‌ها
۲۰۵	تحلیل گفتمان ساختگرا
۲۰۷	مراحل تکوین گفتمان
۲۰۹	تحلیل گفتمان‌ها از منظر رویکرد نقش‌گرا
۲۱۰	رویکرد هانسن (۱۹۹۸)
۲۱۲	رویکرد لوینسون (۱۹۸۰)
۲۱۲	مطالعات شوروپ (۱۹۸۵)
۲۱۳	رویکرد شفرین (۱۹۸۷)
۲۱۴	مطالعات فریزر (۱۹۹۰)
۲۱۵	روابط گفتمان در چارچوب وینتر (۱۹۸۱)
۲۱۵	روابط گفتمان‌ها در چارچوب استنسترم (۱۹۹۰)
۲۱۶	کاربرد گفتمان‌ها در قالب گفتمان‌های واژگانی
۲۱۷	کاربرد گفتمان‌ها در رویکرد هایلند (۲۰۰۵)
۲۱۸	رویکرد فریزر (۲۰۰۵) و گفتمان‌ها

۲۱۸	متن و متن‌شناسی
۲۱۹	انسجام
۲۲۰	روابط پیوستگی
۲۲۱	تفاوت انسجام و پیوستگی
۲۲۲	بافت زبانی
۲۲۲	بافت غیرزبانی
۲۲۳	بافت زمانی
۲۲۳	رابطه متن و بافت
۲۲۴	انسجام متن و نقش گفتمان‌نماها در بافت متنی
۲۲۴	متن
۲۲۵	گفتمان‌نماهای واژگانی
۲۲۶	خصوصیت‌های ساخت - واژی گفتمان‌نماها
۲۲۷	خصوصیت‌های آوایی گفتمان‌نماهای واژگانی
۲۲۸	ویژگی‌های معنایی گفتمان‌نماها
۲۲۹	خصوصیت‌های نحوی گفتمان‌نماهای واژگانی
۲۳۰	گفتمان‌نماها و رویکرد فریزر (۲۰۰۵)
۲۳۱	توالی گفتمان‌نماها
۲۳۲	گفتمان‌نماهای تفصیلی (EDMs)
۲۳۳	گفتمان‌نماهای تبیینی (نقیضی) (CDMs)
۲۳۳	گفتمان‌نماهای استنتاجی (IDMs)
۲۳۴	گفتمان‌نماهای زمانی (TDMs)
۲۳۸	رویکرد فریزر و نقش گفتمان‌نماها در ترجمه و انسجام متنی (نظریه تا کاربرد)
۲۳۸	گفتمان‌نماهای تفصیلی در سوره بقره
۲۴۲	گفتمان‌نماهای تبیینی (نقیضی) در سوره بقره
۲۴۵	گفتمان‌نماهای استنتاجی در سوره بقره
۲۴۹	گفتمان‌نماهای زمانی در سوره بقره
۲۵۳	گفتمان‌نماهای زمانی در سوره آل عمران
۲۵۸	گفتمان‌نماهای تفصیلی در سوره نساء
۲۶۲	گفتمان‌نماهای تبیینی (نقیضی) در سوره نساء
۲۶۷	گفتمان‌نماهای استنتاجی در سوره نساء
۲۷۱	گفتمان‌نماهای زمانی در سوره نساء
۲۸۱	فصل ششم: روابط مفهومی واژه‌ها در قرآن و نظریه تجزیه و تحلیل مؤلفه‌ای
۲۸۱	مقدمه
۲۸۳	روابط مفهومی
۲۸۴	هم‌معنایی
۲۸۵	شمول‌معنایی

۲۸۶	هم‌آوا - هم‌نویسی
۲۸۶	چندمعنایی
۲۸۶	تقابل معنایی
۲۸۷	جزء واژگی
۲۸۷	روابط مفهومی در متون قرآنی
۲۸۹	نقد روابط مفهومی هم‌معنایی و چند معنایی توسط زبانشناسان مسلمان
۲۹۱	منشأ پیدایش روابط مفهومی در متن قرآن از دیدگاه دانشمندان مسلمان
۲۹۱	کاربرد مجازی
۲۹۳	گویش‌ها
۲۹۳	قرض‌گیری واژه‌ها از زبان‌های مختلف
۲۹۴	تحول زبانی
۲۹۶	جلوه‌هایی از روابط مفهومی در فرهنگ و زبان قرآن
۳۰۱	نظریه تجزیه و تحلیل مؤلفه‌ای و معناکاوای واژه‌های قرآنی
۳۰۱	اهمیت تجزیه واژه به مؤلفه‌های معنایی در درک متن قرآن
۳۰۶	ارتباط تجزیه و تحلیل مؤلفه‌ای و روابط مفهومی در ترجمه
۳۰۸	تجزیه و تحلیل مؤلفه‌ای واژگان قرآن
۳۱۰	مؤلفه‌های معنایی و شرایط حاکم بر تعادل معنایی واژه‌ها در ترجمه قرآن
۳۱۶	سخن پایانی
۳۱۹	واژه‌نامه فارسی - انگلیسی
۳۲۲	واژه‌نامه انگلیسی - فارسی
۳۲۵	منابع

پیشگفتار

الْقُرْآنَ هُوَ تَنْزِيلُهُ، فَصَّلَ فِيهِ مَصَالِحَ الْعِبَادِ فِي مَعَاشِهِمْ وَمَعَادِهِمْ، مِمَّا يَأْتُونَ وَيَذَرُونَ وَلَا سَبِيلَ إِلَى عَمَلِهِ وَادَارِكِ مَعَانِيهِ إِلَّا بِالتَّبَحُّرِ فِي عِلْمِ اللُّغَةِ» (ابونصر فارابی، مقدمه دیوان الادب)

امروزه کمابیش تمام یافته‌های علم زبان‌شناسی و کاربرست آن‌ها را در حوزه مختلف علوم انسانی مرهون تلاش‌های دانشمندان در طول یکی دو قرن اخیر می‌دانند. زبان‌شناسی بخشی مهم از منظومه دانش بشری محسوب می‌شود و به دنبال دستیابی به مصادیق و معناهایی است که در ذهن و ضمیر انسان می‌گذرد. زبان‌شناسی می‌کوشد با تعیین چارچوب و قواعد کلی زبان، تأویل‌پذیری و مفهوم‌شناسی تفکر انسان را در حوزه ارتباط فرهنگی و تحلیل متن‌ها به دست دهد و در این راستا، به عنوان کارکردی فلسفی، به درک بهتر ساختار فکری انسان، یاری رساند. در دهه ۱۹۷۰ زبان‌شناسی کاربردی به عنوان رشته‌ای تعریف و گسترش یافت که باید به مشکلات و مسائلی زبان بنیاد در دنیای واقعی پردازد. مفهوم زبان‌شناسی کاربردی بیش از آنکه از یافته‌های تحقیقات نظری تأثیر پذیرفته باشد از مسائل موجود در دنیای واقعی مرتبط با زبان تأثیر پذیرفته است. این واقعیت نتایجی را برای زبان‌شناسی کاربردی به دنبال داشته است از جمله:

الف) نیاز به تغییر رویکرد به زبان، یعنی نیاز به اینکه به زبان به عنوان موضوعی گفتمان بنیاد و کاربردی نگاه شود و این نگرش یعنی تلفیق زبان‌شناسی توصیفی و زبان‌شناسی نقش‌گرا به عنوان منبع و روشی برای حل مسئله.

ب) تشخیص و و پذیرفتن این مطلب که هیچ رشته‌ای به تنهایی نمی‌تواند همه ابزارهای لازم برای حل مشکلات و مسائل در جهان واقعی را ارائه کند و یا حل کند.

ج) به‌کارگیری ابزارهای تحقیق و روش‌شناسی متنوع و مناسب برای مشکلات واقعی مسائل مرتبط با زبان در متن‌ها و گفتمان‌ها.

شناخت ابعاد ارتباطی مباحث «علم زبان‌شناسی» با «مطالعات قرآنی» از چندین نظر از اهمیت برخوردار است. نخست اینکه مطالعات قرآنی به‌دلیل مفاهیم گوناگون و چندلایه بودن مفاهیم متنی آن از تنوع روش‌شناختی برخوردار است، به‌همین سبب، روش‌های مختلف پژوهشی از جمله روش‌های تحلیل زبانی در مطالعات قرآنی کارایی دارد. دوم اینکه قرآن متنی زبانی است و در قالب ساختارهای زبانی نازل شده است، لذا مثل هر متن می‌تواند موضوع مطالعه علم زبان‌شناسی قرار گیرد. بنابراین، محقق قرآنی باید براساس نوع تحلیل متن از روش‌ها و رویکردهای علم زبان‌شناسی بهره‌برد. از این رو، می‌توان گفت یک تعامل دو سویه بین مطالعات قرآنی و حوزه دانش زبان‌شناسی وجود دارد. یعنی هم مطالعات قرآنی می‌تواند موضوع پژوهش‌های زبان‌شناسی قرار گیرد و هم می‌توان در فهم و تفسیر قرآن و انتقال مفاهیم از نظریه‌ها و دستاوردهای دانش زبان‌شناسی بهره‌برد.

زبان‌شناسی زبان را از رهگذر قواعد کلی حاکم بر همه زبان‌ها مورد مطالعه قرار می‌دهد و لذا ارتباط و پیوند تنگاتنگی با موضوع «زبان قرآن» پیدا می‌کند.

بهره‌گیری از دانش زبان‌شناسی در مطالعات قرآنی نیازمند آشنایی با حوزه‌های مختلف زبان‌شناسی و کاربرد هریک از آن‌ها در تحلیل متن منسجم قرآن است. در مطالعات کنونی، بهره‌گیری از روش‌های سنتی یا روش‌های مبتنی بر خردگرایی در فهم قرآن، اگرچه امری پسندیده است اما با توجه به شباهت و مسائل جدیدی که در حوزه قرآن‌پژوهی مطرح شده، کافی نیست؛ استفاده از هرمنوتیک و توجه به اصول زبان‌شناسی در معناکاوی متن می‌تواند به فهم بهتر و رمزگشایی معنایی از لایه‌های درونی و زیرین آیات قرآن یاری رساند؛ اگرچه با بهره‌گیری از روش‌های تحلیل و تحقیق متون دینی فلاسفه غرب نمی‌توان دقیقاً همانند آن‌ها عمل کرد اما توجه به نحوه ارزشیابی و تحلیل و روش آنان درباره متون دینی و قرآن می‌تواند ما را در پاسخ‌گویی و رویکردی بهتر در شناخت و درک مفاهیم نهفته در متن قرآن یاری رساند. در همین راستا، متون تفسیری تألیف‌شده توسط دانشمندان اسلامی برای طرح مسائل زبان‌شناختی و پیوند آن با متن قرآن بوده است. دانش‌هایی مانند فلسفه زبان، معنی‌شناسی و تحلیل متن و متن‌شناسی پیوند نزدیکی با مطالعات مربوط به قرآن

به‌ویژه علم تفسیر دارند و می‌توان آن‌ها را پیش‌نیازهای نظری در مطالعات قرآنی دانست چرا که تفسیر سرشار از تأثیرات مباحث زبان‌شناسی در نوع دیدگاه مفسران است. به‌عنوان مثال، در روش کلامی معتزله برای تفسیر آیات از قواعد زبانی مانند مجاز، کنایه و استعاره در تأویل آیات قرآن بهره برده‌اند که سبب‌شده فرایند بررسی‌های آن‌ها دقیق‌تر باشد.

اینجانبان، نگارندگان این اثر سال‌های متمادی است به تحقیق و تدریس دروس ترجمه قرآن، بررسی آثار ترجمه‌شده اسلامی و درس‌های مرتبط در مقاطع کارشناسی، کارشناسی‌ارشد و دکتری مشغول بوده‌ایم و در اولین سال‌های تدریس بر این باور بوده‌ایم که حیطه کاربست زبان‌شناسی و حوزه‌های مختلف مرتبط با این دانش از قبیل آواشناسی، نحو، معناشناسی و کاربردشناسی در مطالعات دینی و قرآنی بسیار گسترده است. لذا تلاش ما در این سال‌های طولانی در محیط‌های آکادمیک این بوده که دانشجویان عزیز به چگونگی بهره‌گیری از نظریه‌های زبان‌شناسی در تحلیل متن قرآن، احادیث، ادعیه، متون ادبی و سایر متن‌های مرتبط تسلط پیدا کنند که خوشبختانه در قالب مطالعات و بررسی‌های جامع دوره‌های عالی دکتری نتایج قابل توجهی را به‌همراه داشته است. این تلاش‌ها بدان سبب بوده که نگارندگان معتقد بوده‌اند که دانش‌آموختگان و متخصصان رشته زبان‌شناسی به تناسب مشکل موجود در نهادها، مؤسسه‌ها و کارگاه‌های علمی با استفاده از توان تخصصی‌شان به‌صورت فردی یا گروهی و در صورت میان‌رشته‌ای‌بودن مسئله با کمک متخصصان رشته‌های دیگر علمی به‌صورت گروهی موظف هستند به آسیب‌شناسی و مطالعه همه‌جانبه مسئله پرداخته و سپس با ارائه راه‌حل‌های علمی به‌صورت عملی به حل مسائل مرتبط اقدام کنند. در سرفصل رشته‌ها و گرایش‌های زبان به‌ویژه مقاطع تحصیلی کارشناسی‌ارشد و دکتری تخصصی در دانشگاه‌های معتبر جهان درس‌هایی با عناوین «مسائل زبان‌شناسی در آموزش زبان»، «زبان‌شناسی کاربردی» و مسائل میان‌رشته‌ای زبان وجود دارد که وجود آن‌ها ناظر بر اهدافی خاص یعنی مرتفع کردن مسائل و مشکلات تحقیقی از نوع زبان است. در دانشگاه‌های کشور عزیزمان ایران، متأسفانه دروس فوق همسو با کاربردی‌کردن دانش و ورود دانش‌آموختگان جهت حل عملی مشکلات پژوهشی با بهره‌گیری از دانش تخصصی ارائه نمی‌شود. لذا، نگارندگان این اثر با تکیه بر مطالعات و تجربه طولانی در حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای زبان‌شناسی و قرآن این ضرورت را احساس کردند که نتایج بررسی‌های تجربی خود را که به‌طورعمده با الهام از مطالعات فردی و

گروهی بوده است در قالب یک کتاب برای علاقه‌مندان فراهم کنند. نگارندگان تلاش کردند با معرفی نظریه‌های غالب زبان‌شناسی و معناشناسی و ارائه شواهد و نظرات اندیشمندان شاخص در حوزه‌های تخصصی مرتبط با بحث، نحوه کاربست رویکردهای زبان‌شناسی را در تحلیل متن قرآنی به‌دست دهند. محتوا، نتایج و یافته‌های این اثر می‌تواند برای دانشجویان در رشته‌های علوم قرآنی، ادبیات فارسی و زبان‌شناسی قابل استفاده باشد. امید است کتاب حاضر بتواند بخش مهمی از نیاز مخاطبین و خوانندگان را در فرایند و چگونگی تحلیل زبان‌شناختی متن قرآنی پاسخ دهد و افق‌های تازه‌ای برای مطالعات آتی در حوزه زبان‌شناسی متون دینی و قرآن فراروی آن‌ها بگشاید. هدف اثر و آزمون و اطلاعات اولیه مورد نیاز برای مطالعه این کتاب، آگاهی از مبانی‌شناسی همگانی است. اما سادگی بیان مطالب در این کتاب به سایر علاقه‌مندان در حوزه مطالعات ادبی و علوم قرآنی و دینی نیز امکان استفاده از آن را به‌دست می‌دهد. امید است کتاب حاضر برای افراد علاقه‌مند در پژوهش‌های مرتبط با حوزه‌های نامبرده در تحلیل متن‌ها قابل استفاده باشد. بدیهی است این اثر ممکن است از کاستی‌هایی برخوردار باشد، انتظار ما این است که خوانندگان محترم نظرها و پیشنهادهای خود را اعلام دارند تا در چاپ‌های بعدی مورد توجه قرار گرفته و برطرف شوند.

بهمن گرجیان

دانشیار گروه زبان انگلیسی، واحد آبادان،

دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران

b.gorjian@iauanabadan.ac.ir

الخاص ویسی

عضو هیئت علمی دانشگاه پیام‌نور

veysi@pnu.ac.ir

بهار ۱۴۰۰

فصل اول

مطالعات میان‌رشته‌ای و قرآن پژوهی

مقدمه

با بالاتر رفتن سطح دانش بشری، پیشرفت علم و تنوع اقوام و فرهنگ‌ها، رسیدن به مفاهیم و حقایق مشترک دشوارتر به نظر می‌رسد. اقوام گوناگون مفاهیم کلی از قبیل فلسفه وجود، خوب و بد، درست و نادرست را از دریچه ذهن جمعی خود نگریسته و معمولاً با اقوام دیگر در رابطه با این دیدگاه‌ها به توافق نمی‌رسند.

ویسی و دیگران (۱۳۹۸) بر این باورند آنچه بشر از واقعیت‌ها بیان می‌کند خود واقعیت نیست بلکه احساس و ادراک او از آن واقعیت است. البته گفتنی است که در جهان پیرامون یک واقعیت هسته‌ای و بنیادی وجود دارد که درک آن برای همگان یکسان است اما شرایط بافتی، موقعیتی و محیطی و زاویه دید افراد به آن‌ها موجب خلق مشخصه‌های معنایی بیشتر برای همان واقعیت مشترک می‌گردد. بنابراین، آنچه معنی‌شناسی به دنبال آن است شرایط تولید و دریافت گفتمان، متن و معانی حاصل از آن است. متن محصول نهایی گفتمان است و بررسی آن به دانش، ابزار و تجربه کافی از شرایط و موقعیت‌های حاکم بر تولید متن وابسته است.

عدم انطباق زبان با واقعیت و معناسازی حاصل از آن در قالب اشعاری در یکی از داستان‌ها در مثنوی مولانا بازتاب یافته است. در این حکایت افرادی در تاریکی قسمتی از بدن فیل را لمس می‌کنند و سپس به زبان خود به تشریح آنچه لمس کرده‌اند می‌پردازند. به نمونه ابیات زیر توجه کنید.

پیل اندر خانه‌ای تاریک بود
از برای دیدنش مردم بسی
دیدنش با چشم چون ممکن نبود
آن یکی را کف به خرطوم افتاد
آن یکی را کف چو بر پایش بسود
آن یکی بر پشت او بنهاد دست
همچنین هریک به جزوی که رسید
از نظر گه گفتشان شد مختلف

عرصه را آورده بودندش همدرد
اندر آن ظلمت همی شد هر کسی
اندر آن تاریکیش کف می بسود
گفت همچو ناودان است این نهاد
گفت شکل پیل دیدم چون عمود
گفت این پیل چون تختی بدست
فهم آن می‌کرد هر جا می‌شنید
آن یکی دالش لقب داد این الف

(مثنوی معنوی، دفتر سوم، بخش ۴۹)

زمینه بحث در سطرهای شعری بالا معرفت‌شناسی است، یعنی معرفت انسان به هر حقیقت که حاصل دانش و بینش او از آن حقیقت است که حاصل دریافت‌های شخصی، تجربی و شهودی انسان است. ذات بشری در امر درک و دریافت کامل حقیقت ناتوان است. هر انسانی دیدگاه منحصربه‌فرد و به تبع آن درک منحصربه‌فردی از واقعیت وجودی خود و جهان پیرامون خود دارد. از این رو اختلاف در تعبیر و تفسیر حقیقت، امری اجتناب‌ناپذیر است.

مولانا معتقد است که دیدگاه‌های مختلف باعث به وجود آمدن تعبیر و برداشت‌های مختلف از حقیقت متن یک پیام می‌شود بنابراین این دیدگاه‌ها و برداشت‌ها خالی از خطا نیست. اینجاست که پژوهشگران و اهالی علم و قلم در راستای شفاف‌سازی و همگرایی این تفسیرها و نزدیک شدن به حقیقت، نقش حائزاهمیتی دارند.

قرآن کریم به عنوان سرچشمه معارف اسلامی همواره در طول اعصار گذشته تاکنون از جهات مختلف مورد اهتمام پژوهشگران واقع شده، به گونه‌ای که محققان با کمک ابزارهای علمی نوین و با تکیه بر نظریات متعدد در هر دوره‌ای از تاریخ، به دنبال درک و رمزگشایی معنایی بخش‌هایی از متن این کتاب آسمانی بوده‌اند. منبع لایزال قرآنی دارای سطوح و لایه‌های متنی متفاوت بوده است. علوم اسلامی همواره بر بهره‌گیری از همه سطوح و لایه‌های معنایی قرآن تأکید دارد در هر دوره ابزار و وسایلی در دست دانشمندان و پژوهشگران مطالعات قرآنی وجود داشته است که با کمک آن فضاهایی جدید کشف و استخراج می‌شده‌اند. دوره معاصر با آغاز روش‌های نقد ادبی، زبان‌شناسی و معناشناسی، ابزارهای جدید

و متفاوتی با کاربری‌های نو در معناکاوی قرآن‌کریم، فراروی ما قرار داده است. متن قرآن‌کریم نمونه‌ای متعالی از جنس زبان است، بهره‌جستن از اصول و نظریات زبان‌شناختی، کمک شایانی در پرده برداشتن از رموز معنایی بی‌پایان قرآن‌کریم می‌کند. (همان).

متن قرآن ما را به تدبّر در آیاتش فراخوانده می‌فرماید:

«أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا؛

آیا به آیات قرآن نمی‌اندیشند یا بر دل‌هایشان قفل‌هایی نهاده شده است؟» (محمد/ ۲۴).

بسته بودن راه برای رسیدن به حقایق نهفته در قرآن که گنجینه معارف الهی به‌شمار می‌رود، پذیرفتنی نیست و بهره‌گرفتن از ابزارها و دانش‌های نوین در تحلیل تعبیر قرآنی، درواقع نوعی تدبّر روشمند در آیات این کتاب آسمانی به‌شمار می‌رود. به‌طورکلی اشمال ساختارمعنایی قرآن بر معانی متعدد، مدلول آیات و روایات متعددی از طرف شیعه و سنی است. در همین راستا، امام علی (ع) می‌فرماید:

«إِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أُنِيقٌ وَ بَاطِنُهُ عَمِيقٌ»

«همانا قرآن ظاهری زیبا و شگفت‌انگیز و باطنی عمیق دارد.»

همچنین امام‌باقر (ع) در اشاره به حقیقت موضوع فرموده‌اند:

«إِنَّ لِلْقُرْآنِ بَطْنًا وَلِلْبَطْنِ بَطْنٌ وَلَهُ ظَهْرٌ وَلِلظَّهْرِ ظَهْرٌ». (بحارالانوار، ج ۹۱: ۸۹).

در پژوهش‌های علوم قرآنی مقولات «بطن» و «ظهر» نیز در تبیین ساختار چندمعنایی متن قرآن‌کریم به‌کار رفته‌اند. در اصطلاح مفسران، غالباً «بطن» همتای «تأویل» و در برابر معنای ظاهر آیات دانسته شده؛ زیرا غالب مفسران براساس روایت «ظَهْرُهُ تَنْزِيلُهُ، وَ بَطْنُهُ تَأْوِيلُهُ» تأویل را با باطن آیات یکسان و آن را مرحله‌ای پس از فهم ظاهری آیات می‌دانند. (بحارالانوار، ج ۸۹: ۹۴)

به‌طورکلی به نظر می‌رسد بطن همان «معانی درونی هر آیه» است که فراتر از مدلول لفظی و ظاهری آیات است. در روایتی دیگر از پیامبر (ص) نیز نقل شده است که ایشان فرموده‌اند:

«الْقُرْآنُ ذُو وَجْهٍ فَأَحْمَلُوهُ عَلَى أَحْسَنِ وَجْهِهِ». (طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۱: ۸۱).

براساس روایات ذکرشده مقولات «بطن» و «وجه» دلالت بر ساختار چندلایه‌ای نظام معنایی قرآن دارد، و این وجه معنایی می‌تواند مربوط به واژگان، ترکیبات و جملات قرآن باشد. اگرچه مطابق نص صریح قرآن که در آیه ۱۷ از سوره قمر چنین آمده است:

«لَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ؛

و یقیناً ما قرآن را برای پندگرفتن آسان کردیم، پس آیا پندگیرنده‌ای هست؟»

فهم معارف آن برای همگان آسان است، اما این بدان معنا نیست که همگان به‌طور یکسان از آن بهره می‌برند و قرآن از معارف عمیق بی‌بهره است؛ زیرا از یک سو، معارف این کتاب آسمانی مراتب و درجات گوناگون دارد و از سویی دیگر نیز سطح ادراک، فهم و دانش مردم در دریافت این معارف باهم متفاوت است و بنابراین هر مرتبه آن بهره‌گرویی خاص است. قرآن متناسب با ویژگی‌های بشری، از تنوع و گونه‌های بیانی متعدد بهره جسته است. به سخن دیگر جامعیت کتاب آسمانی قرآن سبب شده تا حقایق هزارلایه و تودرتو در ساختارهای مفهومی^۱ آن مکنون بماند و تبیین مفاهیم و تعبیر نهفته در ورای ساختار ظاهری آیات الهی به پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم واگذار شود، به گونه‌ای که خداوند متعال در سوره نحل و در آیه ۴۴ فرموده است:

«وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ؛ ما بر تو قرآن را نازل

کردیم، تا برای مردم آنچه بر ایشان نازل شده است، روشن کنی و باشد که اندیشه کنند.»

فحوای آیه فوق، بیانگر رسالت پیامبر (ص) و معصومین (ع) در ارائه معانی آیات از جمله؛ معانی درونی و باطنی آن‌هاست. درواقع همین ویژگی قرآن کریم، سبب شده است تا مردم هر عصری، از هرگونه و نژادی با تنوعات فرهنگی و اختلاف در سطح فهم و ادراک، از گنجینه معارف این کتاب آسمانی بهره‌مند شوند.

برپایه مطالب گفته‌شده، درمی‌یابیم که قرآن، جدای از ظاهر، باطنی دارد که تنها با تدبّر و تعمق در آن برای اهلش حاصل می‌شود، با استناد به آیات قرآن و روایات متعدد، می‌توان گفت که ساختار مفهومی چندلایه‌ای قرآن بر اتقان و فصاحت و بلاغت آن افزوده، سبب تحدی و جاودانگی آن شده است؛ چراکه از یک سو وحی آیات به پایان رسیده، مجموعه آن‌ها در مصحف واحدی به نام قرآن جمع‌آوری شده است، از سوی دیگر، با گذشت زمان، پرسش‌های فراوانی مطرح می‌شود که نمی‌توان تنها با تکیه بر ساختار ظاهری آیات، پاسخ آن‌ها را دریافت کرد. بنابراین، بخشی از تعبیر معنایی این کتاب آسمانی، در ورای ساختار ظاهری آیات؛ یعنی در باطن قرآن نهفته است که تبیین آن‌ها به عهده معصومین علیهم السلام و مفسران ژرف‌اندیش واگذار شده است. البته از این نکته مهم نباید

غفلت کنیم که علاوه بر سیره نبوی و سنت رسول اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) به عنوان مفسران حقیقی در تبیین و تشریح آیات الهی، بنابر نص صریح قرآن، مطمئن‌ترین منبع شناخت و ادراک معارف عمیق این کتاب آسمانی، خود قرآن است. به عبارت دیگر، براساس نگرش جامع‌گرایانه ائمه اطهار (ع)، قرآن مفسر خود است و برای درک و فهم ساختارهای معنایی آن، به ارتباط و هماهنگی آیات و انسجام درونی آن‌ها به عنوان یک اصل توجه باید کرد. گفتنی است که به اعتقاد مفسران، معانی باطنی در طول معانی ظاهری و مرتبط با آن‌ها و نسبی و منوط به میزان خفا و وضوح آن برای مخاطبان است.

به لحاظ تاریخی مشکلی که در بررسی‌های زبان‌شناسی سنتی پدید آمد متأثر از شیوه‌ای بوده است که بر آن اساس سعی کردند در حوزه زبان هم بر مبنای جزمیت، قطعیت و بر مبنای تعدادی اصول ثابت، اظهار نظر و تصمیم‌گیری کنند.

زبان‌شناسی معاصر هیچ پیش‌فرض از پیش تعیین شده‌ای را که در خلأ صورت گرفته باشد در تحلیل زبان معتبر نمی‌داند. دانش زبان‌شناسی یک دانش تجربی است و برای هر ادعایی که بخواهد بیان کند، حتماً مدرک تجربی و مستند ارائه می‌دهد. زبان‌شناسی به عنوان دانش نظام‌مند زبان به بررسی و مطالعه همه مباحثی که به زبان مربوط می‌شود می‌پردازد. بر این اساس در قلمرو این شاخه از دانش بشری مباحث بسیار گسترده و متنوعی از جمله تحلیل متون ادبی و مذهبی جای می‌گیرد. رویکردهای نظری و علمی و زبانی می‌تواند خواننده را با ابعاد معنایی نهفته و ارزشمند در ساختار کتابی مقدس مانند قرآن آشنا سازد و این گونه بررسی‌های علمی در کنار کتب تفسیر معتبر قرآن کریم می‌تواند ویژگی‌هایی از قبیل انسجام متنی قرآن کریم، انسجام واژگانی، مفاهیم استعاری و نیز فرایند رمزگشایی معنایی در این متن مقدس را تسهیل کند. نظر به اهمیت ساختار زبان قرآن و اهتمام پژوهشگران حوزه‌های مختلف به آن و ضرورت توجه مفسران به شناخت رویکردهای متفاوت مطرح شده در قلمرو زبان‌شناسی ضرورت به کارگیری نظریه‌های زبان‌شناسی در تبیین و کشف لایه‌های معنایی متن قرآن کریم کاملاً احساس می‌شود. در مباحث پیش‌رو در فصل‌های آینده در این اثر، با ذکر شواهد و نمونه‌ها بیشتر به این مهم پرداخته می‌شود.

بهمن گرجیان و عباس زاده (۱۳۹۶) در همین راستا، معتقدند که وقوع ساختارهای دستوری مانند «بدل»^۱ و «جملات معترضه» متأثر از اهداف کاربردشناختی در تعاملات گفتاری اهل زبان و مشارکین در گفتگو تحقق می‌یابند و این ساختارها نیز در واکاوی

معنایی متون دینی و ادبی با تکیه بر عوامل زبانی و فرازبانی و بافتی به‌عنوان یک اصل تفسیری باید هماهنگ و در کنار هم مورد توجه قرار گیرند، ابعاد مختلف متن قرآن در برخورداری از عناصر و ساخت‌های متنوع زبانی هر تحلیلگر آگاه را به سمت بهره‌گیری از دیدگاه‌های جدید زبان‌شناسی برای تحلیل متن قرآن کریم ترغیب می‌کند. بنابراین، بدیهی است که رویکردهای زبان‌شناختی به‌عنوان ابزار تحلیل می‌تواند نقش مهمی در رمزگشایی لایه پنهان معنایی این کتاب مقدس داشته باشد. به‌همین منظور در این کتاب در ابتدا نظریه‌ها و رویکردهای زبان‌شناختی مانند معنی‌شناسی شناختی^۱، نظریه آمیختگی مفهومی^۲، نظریه آستین و سرل و رویکرد تجزیه و تحلیل مؤلفه‌ای... و قابلیت کاربست آن‌ها را در معناکاوی متن قرآن کریم برای خواننده بیان می‌کنیم.

نکته حائزاهمیت در متن آیات قرآنی و روایات، تأکید بر لایه‌های معنایی و ساختار چندوجهی^۳ کتاب آسمانی قرآن است و به گفته قائمی‌نیا (۱۳۸۶: ۱۰) تفحص در تعبیر و مفاهیم قرآن، تنها راهی است که دریچه‌ای به اقیانوس معارف نهفته در آن به روی همگان می‌گشاید.

خلاصه کلام این است که در آئینه روایات معصومین و کلام وحی، تعقل و تدبّر در نظام مفهومی^۴ قرآن جایگاه خاصی دارد و از فحوای آن‌ها چنین برمی‌آید که کتاب آسمانی قرآن از سطوح معنایی متعدد و انسجام متنی برخوردار است. به همین سبب در آیه ۲۹ سوره ص می‌فرماید:

«كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِّيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ»

«این کتاب پربرکتی است که آن را بر تو نازل کرده‌ایم تا آیاتش را تدبّر کنند و خردمندان متذکر شوند.»

از اینکه در این آیه و امثال آن، قرآن کریم مخاطبان را به تدبّر و تفکر در معنا و مفاهیم آیات خود فرمان می‌دهد، این مطلب به‌دست می‌آید که در ورای معنای ظاهری و ابتدایی آیات معانی، مفاهیم دیگری نیز وجود دارد که لازمه دستیابی به آن‌ها اندیشه و تدبّر است. درواقع همین ویژگی ساختار مفهومی قرآن کریم، زمینه‌های پژوهشی گسترده‌ای را در حوزه‌های علوم متعدد فراوری پژوهندگان قرار داده است.

1. Cognitive linguistics
2. Conceptual blending
3. Polyhedral structure
4. Conceptual system

بی‌تردید سودجستن از ابزارها و دانش‌های جدید نوعی تدبّر روشمند در آیات این کتاب آسمانی و مصادیق برجسته‌ی آن است. دانش زبان‌شناسی^۱ نیز از دیرباز با تکیه بر جنبه‌های زبان‌شناختی قرآن به لحاظ معنایی و واژگانی، به مطالعه در آن پرداخته است؛ چنان‌که در همین راستا، ابونصر فارابی در مقدمه دیوان‌الادب آورده است:

«الْقُرْآنُ هُوَ تَنْزِيلُهُ، فَصَّلَ فِيهِ مَصَالِحَ الْعِبَادِ فِي مَعَاشِهِمْ وَمَعَادِهِمْ، مِمَّا يَأْتُونَ وَ يَذَرُونَ وَ لَاسِيْلَ اِلَى عَمَلِهِ وَ اِدَارِكِ مَعَانِيهِ اِلَّا بِالتَّبَحُّرِ فِي عِلْمِ اللِّغَةِ» (به نقل از خرمشاهی، ۱۳۷۲: ۱۶۵).
از آنجایی که لازمه فهم صحیح قرآن، واکاوی دقیق کلمات و تعبیر به‌کاررفته در آن است که با بهره‌گیری از ابزارها و روش‌های گوناگون صورت می‌پذیرد، بی‌تردید بهره‌جستن از اصول و مبانی چارچوب نظری به فهم و ادراک جنبه‌های دیگر از سطوح ساختارمعنایی چندوجهی قرآن‌کریم کمک‌کرده، و منجر به کشف مفهوم‌سازی‌های آن می‌شود.

فرهنگ در ادبیات قرآن

فرهنگ عناصری چون زبان، تاریخ، جغرافیا، باورها، سنت‌ها، دانش‌ها و هنرها را دربرمی‌گیرد و شامل تمامی داشته‌های ذهنی یک قوم است. فرهنگ‌ها از قومی به قوم دیگر و از نسلی به نسل دیگر متغیر بوده و در عین حال که از اشتراکاتی برخوردارند، تفاوت‌هایی هم دارند. این بدان علت است که مؤلفه‌های فرهنگ در میان اقوام، واحد و ثابت نیستند. متن قرآن‌کریم در یک بافت و موقعیت مکانی و زمانی خاصی از طریق وحی خلق شده است و عناصر فرهنگی بسیاری در قالب عناصر زبانی در متن آن به کار رفته است. فرهنگ و ادبیات قرآنی دو مقوله کاملاً وابسته به هم هستند. مراد از ادبیات قرآن مقولات زبانی نظیر لغات، سوگندها^۲، ضرب‌المثل‌ها^۳، تشبیهات^۴، استعاره‌ها^۵، مجازها^۶ و جزء آن‌هاست که در متن قرآن‌کریم نمایان است.

1. Linguistics
2. Oath
3. Proverb
4. Simile
5. Metaphor
6. Imagery

الخاص ویسی و دیگران (۱۳۹۸) معتقدند که یکی از پیش‌شرط‌های فهم مقصود پیام قرآن اشraf به ابعاد فرهنگی، محیط جغرافیایی، بافتی و شأن نزول سوره‌ها و آیات قرآنی است. لغات قرآن و سایر ساختارهای زبانی مشابه نمادهایی از واقعیاتی است که اهل زبان با آن‌ها سروکار دارند. درک مفاهیم لغات به مصادیق بیرونی آن‌ها نزد اهل زبان بستگی دارد. به عنوان مثال، تمثیل‌ها^۱ در قرآن از واقعیات و تصوراتی که اهل زبان با آن‌ها مواجه‌اند الهام می‌گیرد.

مطالعه تاریخ ادیان بیانگر این نکته است که رسولان الهی به زبان قوم خود مبعوث شده، با آنان سخن گفته و به تعلیم آنان پرداخته‌اند:

«وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ» (نساء/ ۱۴)

و ما هیچ رسولی را مگر به زبان قوم آن فرستادیم تا (معارف و احکام الهی را) برای آنان بیان کند.

به همین دلیل، قرآن کریم به زبان قوم پیامبر خاتم (ص) یعنی عربی نازل شد «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (یوسف/ ۲).

ما این (قرآن مجید) را به عربی فرستادیم؛ باشد که شما (آن را) دریابید.

گرچه زبان قرآن زبان مردم شبه جزیره عربستان بود و آنان نیز این زبان را به خوبی می‌دانستند، اما پیامبر اسلام (ص) تنها برای ابلاغ کلام الهی به مردم برگزیده نشد؛ بلکه وظیفه تبیین آن را نیز برعهده داشت.

«وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل/ ۱۶)

همچنان‌که این قرآن را بر تو نازل فرمودیم، تا برای مردم آنچه را که نازل شده (از)

احکام و اوامر الهی) به‌طور مشروح بیان کنی، باشد که آنان عقل خود را به‌کار بندند.

از این رو، می‌بینیم اعراب در زمان حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مورد معنای برخی واژه‌ها و آیات قرآن اختلاف داشتند و گاهی برای درک معنا دچار مشکل می‌شدند. بنابراین از همان آغاز نیاز به تبیین مضامین بلند قرآن و حقایق آن احساس می‌شد؛ امری که در گذر زمان به لزوم تفسیر قرآن می‌انجامید. اما باید توجه داشت «قرآن همان‌گونه که متن زبان عربی است متن زبان وحی نیز هست و اگر زبان‌شناسی در فهم آن مؤثر است بدون زبان‌شناسی وحی نیز نمی‌توان آن را درک کرد.

زبان‌شناسی و فرهنگ

تفاوت بین دو فرهنگ به‌خوبی در زبان‌های آن‌ها منعکس می‌شود. مهارت و تسلط در ظرافت‌ها و تفاوت‌های کوچک در یک زبان یعنی اینکه به این درک برسیم که اهل زبان در دو کشور و با دو زبان متفاوت، با ارزش‌ها و باورهای کاملاً متفاوت رشد کردند و بزرگ شدند. تفاوت ارزش‌ها و باورها می‌توانند در موقعیت‌های مختلفی خودشان را نشان بدهند. کافی است نگاهی به اصطلاحات و عبارات عامیانه فرهنگ‌های مختلف بیندازید تا معلوم گردد در هر جامعه‌ای چه مسائلی مهم است. برای مثال، اگر اصطلاحات چینی را که درباره خانواده است بخوانید، متوجه می‌شوید که روابط خانوادگی برای چینی‌ها بسیار باارزش است و می‌توانیم درباره ساختار و ویژگی‌های خانواده بیشتر بفهمیم. ارتباط میان فرهنگی، مشحون از مسائلی است که پاسخ متناسب به آن‌ها، افراد را در مدیریت ارتباطات موفق در فضای چندفرهنگی یاری می‌کند. یکی از مهم‌ترین پرسش‌ها، به نقش فرهنگ و زبان در ارتباطات میان‌فرهنگی مربوط می‌شود؛ به این معنی که ویژگی‌های فرهنگی، ازجمله زبان، چه نقشی در ارتباطات میان‌فرهنگی ایفا می‌کنند.

تایلور (۱۸۸۲) فرهنگ را به‌عنوان مجموعه پیچیده‌ای از دانش‌ها، باورها، هنرها، قوانین، اخلاقیات، عادات و هر آنچه فرد از جامعه خویش فرا می‌گیرد تعریف می‌کند. با این تعریف کنش‌ها و واکنش‌های فردی، اجتماعی، باورها، ارزش‌ها، ادبیات، هنر، سنت‌ها و... مجموع ارزش‌هایی قلمداد می‌شوند که روی هم‌رفته فرهنگ جامعه را شکل می‌دهند. بنابراین، فرهنگ هر جامعه تنیده در مجموعه رفتارها و باورهای افراد جامعه است که به گونه‌های مختلف در قالب گفتار، برخوردها و کنش‌های اجتماع بازتاب می‌یابد. آنچه که بر اهمیت این مهم می‌افزاید، این است که فرهنگ را شالوده و اساس ارزش یک جامعه در جغرافیای شکل‌گرفته به‌نام کشور بدانیم. فرهنگ هر جامعه آینه تمام‌نمای تاریخ و تمدن آن جامعه است. به همان اندازه که سیاست در راهبرد امور سیاسی یک مملکت نقش مهم و اساسی دارد فرهنگ نیز در تعریف و شکل‌دهی تصویر کلی از جامعه برای جوامع دیگر نقش دارد.

همان‌گونه که ساختار زبان دارای دستور و قاعده‌های روشمند است و هنجارشکنی‌های دستوری سبب بروز مشکلات در صورت و فهم آن می‌شود، عدول و گریز از هنجارهای فرهنگی اصیل و پویا نیز باعث آسیب به روان جامعه می‌شود. یعنی،

جامعه‌ایی که به لحاظ فرهنگی فقیر باشد در همه چیز فقیر است و حتی می‌توان گفت فاقد هویت. هنر در جامعه به منزله شاخصه‌ای است که جامعه براساس آن شکل گرفته و تعریف می‌شود. جوامع مدرن امروز به درک کامل از ارزش فرهنگ رسیده‌اند و برای رشد و تقویت آن هزینه‌های هنگفتی را صرف می‌کنند. مطالعات سیاسی - فرهنگی نشان می‌دهد که در وقوع جنگ‌های ویرانگر و خانمان‌سوز آنچه پس از اهداف نظامی به‌منظور تثبیت و تحکیم اشغال، محراق توجه واقع شده است تضعیف فرهنگ مملکت مغلوب و ترویج فرهنگ غالب بوده است. این فرهنگ می‌تواند زبان باشد و هم می‌تواند ارزش‌هایی باشد که هرکدام شکل‌دهنده فرهنگ است که نمونه‌های آشکار آن را در تاریخ بیشتر کشورهای آفریقایی، آمریکایی به‌ویژه آمریکای جنوبی شاهد هستیم. دراصل می‌توان فرهنگ یک جامعه را به دو بخش تقسیم کرد: فرهنگ درونی که مجموعه بایسته‌ها و نبایسته‌های یک جامعه در زمینه اخلاق، هنر، زبان و ادبیات و غیره است که جامعه را به‌گونه‌ایی پیوند داده است. فرهنگ بیرونی، بازتاب مجموعه ارزش‌های داخلی یک جامعه در جوامع بیرونی است. این نوع فرهنگ بازتاب فرهنگ داخلی یک جامعه در پندار جوامع دیگر است که بر مبنای آن برداشت‌های کلی راجع به فرهنگ آن جامعه شکل می‌گیرد. بدون شک فرهنگ داخلی هر جامعه شالوده و اساس شکل‌پذیری فرهنگ بیرونی است. هنجارها، باورها، آثار ملی، آثار تاریخی، اسطوره‌ها و هر آنچه که از گذشته‌گان برای یک ملت به یادگار مانده است، به‌گونه‌ای در پیوند فرهنگی، سیاسی و حتی اقتصادی با سایر ملل نقش ارزشمند و مهمی را بازی می‌کند. کشوری که به لحاظ فرهنگی فقیر باشد، حرف‌چندانی برای گفتن نیز نخواهد داشت و در هر زمینه کارش می‌لنگد.

بنابراین، می‌توان گفت اعتلای فرهنگی، رشد همه ارزش‌ها است که جامعه بر بنیاد آن شکل گرفته است. در این میان زبان، یکی از استوانه‌های فرهنگ است. زبان همان نقش را در بازتاب فرهنگ یک جامعه بازی می‌کند که آب در زندگی. جامعه‌ایی به لحاظ فرهنگی پیش‌تاز است و چیزی برای افتخار ورزیدن دارد که ارزش‌های زبانی آن در گوشه دنج و متروک به فراموشی سپرده نشده باشد. زبان جوهره و ماهیت وجودی فرهنگ یک جامعه است. اگر فرهنگ را گلشنی زیبا پنداریم، زبان نقش آب را دارد که آن را می‌پروراند. نقش زبان در فرهنگ نقش بنیادین و اساسی است. بی‌اساس نیست که شکوه تاریخی و فرهنگی ملت‌ها را با نگرش به زبان آن‌ها مورد ارزیابی قرار دهیم. غنای زبانی در زبان به معنی غنای در

عناصر مختلف شکل‌دهنده فرهنگ است. بین رشد زبان و فرهنگ وابستگی متقابل و همبستگی کامل وجود دارد. هرچاکه زبان از پویایی به یک ارزش بالقوه تبدیل شود فرهنگ نیز ایستامی‌شود و همبستگی این دو ارزش همانند سایه و تصویر است.

بنابراین، زبان و فرهنگ دو مؤلفه درهم‌تنیده هستند و هر تعریف و رویکردی برای زبان و فرهنگ ارائه کنیم بازهم این دو را در تعامل دوجانبه با یکدیگر خواهیم یافت. زبان و فرهنگ در ساخت و بازساخت یکدیگر اثرگذار هستند.

زبان و فرهنگ ابزارهایی برای تحقق روابط اجتماعی و تبیین قوانین حاکم بر تعاملات فرهنگی و اجتماعی انسان‌ها است. فرایندهای نشانه‌شناختی که در آن زبان و فرهنگ قابل مشاهده‌اند، شامل ارتباط پویا میان حوزه عمومی درک و رفتار می‌شوند. هم زبان و هم فرهنگ پدیده‌هایی شناختی هستند و این بدان معناست که بر مبنای تجهیز شده به یک ظرفیت حل مسئله به صورت انعطاف‌پذیر بنا شده‌اند. به همین سبب، فرهنگ را به ندرت می‌توان بدون استفاده از زبان درک یا رمز گشایی کرد و یا حتی نمی‌توان یک پیام فرهنگی در یک متن را رمز گذاری کرد. بنابر آنچه که گفته شد، درک و فهم یک متن مانند متن قرآن مستلزم درک فرهنگ قرآنی است که در ساخت واژه‌ها، عبارات و جملات در این کتاب مقدس انعکاس یافته است.

زبان قرآن

ساختار زبان قرآن و وضوح بیان متن آن، در عین تعالی معانی آن، زمینه استفاده از سبک‌های متنوع و شیوه‌های بیانی گوناگون را فراهم ساخته تا هرکسی (عامه یا عالم) بتواند به مقدار قابلیت خویش، از آن بهره‌مند شود. «زبان» کاربردها و معانی متفاوتی دارد و با توجه به نوع کاربرد و ذهنیت گوینده، معانی ویژه‌ای پیدا می‌کند که گاه ظاهری و ملموس هستند و گاه معنایی عمیق دارند. آنچه از واژه «لسان» در عربی در ابتدای امر استنباط می‌شود همان معنایی است که واژه‌شناسان هم آورده‌اند. لسانه فصیح: آی لغته... لسان القوم: المتکلم عنهم...، لسان صدق: الذکر الحسن. در واقع آنچه افراد از کاربرد واژه «زبان» در ذهن دارند متفاوت است. به این معنا که گاه معنای لفظی^۱ آن را قصد می‌کنند و گاه معنای مجازی آن را. یک واژه مفرد ممکن است دارای معانی مختلفی باشد و آنچه این معانی را مشخص می‌کند موقعیت بافتی متن و شرایط حاکم بر تولید آن

است، معنای اولیه معنایی است که هنگام نقل کلمه به تنهایی به ذهن بیشتر گویشوران زبان خطور می‌کند که همان معنای لفظی است و معنای مجازی آن‌هایی هستند که از جهت نشان‌دادن معنای مورد نظر به متن و شرایط بافتی وابسته‌اند. همچنین معنای مجازی به وسیله نوعی زنجیره معنا به یکدیگر و به معنای اولیه مربوط است؛ بنابراین، کلمات علاوه بر معنای لفظی ممکن است دارای معنای مجازی نیز باشند. معنای مجازی بر پایه روابط تداعی‌کننده معنای اولیه استوار است (بکمن و کالو، ۱۹۷۴: ۹۴).

تصور عمومی در باب زبان این است که زبان ابزار انتقال مفاهیم ذهنی در بین آدمیان است و این عمل با بهره‌گیری از وضع الفاظ برای معانی صورت می‌گیرد. چه این وضع، تعیینی و دارای واضع مشخص باشد و چه در نتیجه کثرت استعمال شکل گرفته باشد. وقتی مراد از زبان را معنای مجازی آن می‌گیریم برای هرچیز حتی اشیاء نیز می‌توان زبان در نظر گرفت. دین نیز به عنوان آنچه راهنمای بشر در مسیر تکامل است به طریق اولی باید دارای بیان و زبانی باشد که بتواند در این مسیر نقش خویش را ایفا کند. در این باره برخی زبان دین را، رسولان و فرستادگان الهی دانسته‌اند چرا که بر اصل «نطق» در زبان تکیه کرده‌اند. بر این اساس ساختار متن قرآن به گونه‌ای است که مفاهیم متفاوتی و انتزاعی متعدد در باب آغاز و پایان آفرینش، صفات و افعال الهی، حوادث عالم غیب و شهود، معاد، موضوعات اخلاقی و دیگر مسائل زندگی را دربرمی‌گیرد.

اما آنچه سزاوار تأمل و قابل پرسش است، نحوه انتقال این گونه مفاهیم متناسب با سطح درک و فهم مخاطبان است. این مسئله به تازگی در کانون توجه پژوهشگران قرار گرفته، هرکدام با استناد به یک چارچوب نظری خاص به آن پرداخته‌اند، به گونه‌ای که به عنوان مثال، در سایه نگرش‌های شناختی^۱ از قبیل نظریه استعاره ادراکی^۲، مجاز شناختی^۳ و فضاهاى ذهنی^۴ و سایر رویکردهای زبانی در باب این موضوع پژوهش‌هایی صورت گرفته است.

الخاص ویسی و دیگران (۱۳۹۷) بر این باورند آنچه در بررسی‌های ساختاری و معنایی زبان قرآن اهمیت پیدا می‌کند، شیوه‌های مفهوم‌سازی قرآن است؛ به سخنی دیگر، اینکه قرآن چگونه مفاهیم و حقایق معنوی را در مقیاس ادراک بشری بیان می‌کند.

1. Cognitive attitude

2. Conceptual metaphor theory /CMT

3. Cognitive metonymy

4. Mental space theory